



Pathology of religious education in Student cultural and educational centers

Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani ¹

Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran

*Corresponding author: Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani, Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran
Email z. seyed.31388@gmail.com

Article Info

Keywords: Education, Religious education, pathology, Student cultural and educational centers

Abstract

Introduction: As important as planning is for religious education, it is important to know the issues and its pathology. Possible harms in religious education will frustrate the efforts of educators; Therefore, recognizing the negative aspects of education is no less important than recognizing its positive aspects; Therefore, the present study was conducted with the aim of examining the current situation of religious education and its pathology in Salman Farsi Nokhbeghan Center as one of the most successful cultural and educational centers for students in the country.

Method: In this study, the students and educators of Center with a descriptive-survey method and a questionnaire with 81% validity and 81.2% reliability from three perspectives: "Educational methods" and "Educational Content" and "Teacher-Teacher Relationship" are examined.

Results: The results of descriptive statistics show that the coach's relationship with the coach has been affected by injuries such as pessimism towards the coach, creating a spirit of self-aggrandizement and creating mistrust and hatred towards the coach. Educational methods have also been associated with stubbornness, hostility, loss of prestige, and hypocrisy in the educator. Also, educational content has been confronted with a negative attitude and pessimism towards religious content, learning to be biased in judging, creating instability in religious beliefs.

Conclusion: According to the identified harms, training-oriented collections should take action to correct the educational content, the relationship between the trainer and the trainer and their training methods.

Copyright © 2022, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

آسیب‌شناسی تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

سیدمحمد رضا حسینی نژاد ماهانی^۱
^۱گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران

*نویسنده مسوول: سیدمحمد رضا حسینی نژاد ماهانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران
ایمیل: seyed.31388@gmail.com

چکیده

مقدمه: به همان اندازه که برنامه‌ریزی برای تربیت دینی مهم است شناخت مسائل و آسیب‌شناسی آن نیز از اهمیت برخوردار است. آسیب‌های احتمالی در تربیت دینی، کوشش‌های مربیان را بی‌حاصل خواهد نمود؛ بنابراین شناخت جنبه‌های منفی تربیتی، کم‌اهمیت‌تر از شناخت جنبه‌های مثبت آن نیست؛ از این‌رو تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب‌شناسی آن در کانون نخبگان سلمان فارسی به عنوان یکی از موفق‌ترین کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی کشور انجام شده است.

روش‌ها: در این تحقیق مربیان و متربیان کانون به‌صورت تمام شماری با روش توصیفی-پیمایشی و ابزار پرسشنامه با روایی ۸۱٪ و پایایی ۸۱٪/۲ از سه منظر «روش‌های تربیتی» و «محتوای آموزشی» و «رابطه مربی با متربی» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

نتایج: نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که رابطه مربی با متربی با آسیب‌هایی از قبیل بدبینی نسبت به مربی، ایجاد روحیه خودبزرگ‌بینی و ایجاد بی‌میلی و نفرت نسبت مربی روبرو شده است. روش‌های تربیتی نیز با بروز لجاجت، دشمنی، از بین رفتن آبرو و ایجاد نفاق و دورویی در متربی همراه بوده است. همچنین محتوای آموزشی نیز با نگرش منفی و بدبینی نسبت به محتوای دینی، یادگیری سوگیری در موضع قضاوت، ایجاد تزلزل در باورهای دینی مواجه شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به آسیب‌های شناسایی شده، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی باید نسبت به اصلاح محتوای آموزشی، روابط بین مربی و متربی و روش‌های تربیتی خود اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، آسیب‌شناسی، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

مقدمه

یگانه رسالت پیامبران الهی که برگزیدگان خداوند از میان انسان‌ها و فرستادگان او به‌سوی ایشان هستند همانا «تربیت بشر» بوده است. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌های ایشان در راستای این هدف بزرگ شکل گرفته و زندگی خود را به‌پای این مقصود فداکرده‌اند. تربیت از مباحثی است که هر متفکری با زاویه دید خاص خود به آن نگرسته و تعریفی از آن ارائه نموده است. به‌عنوان مثال کسی که به جنبه‌های فردی تربیت نظر دارد، آن را کوششی در جهت غنی کردن تجارب فردی انسان و شکوفایی استعدادها و رغبت‌های او معرفی می‌کند و آن دیگری که به جنبه‌های اجتماعی تربیت توجه دارد آن را وسیله‌ای برای اجتماعی ساختن انسان می‌داند [۱]. تربیت مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) به‌منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان‌های دیگر (متربیان) براساس برنامه‌ای سنجیده است [۲]. یکی از ابعاد تربیتی که همواره موردتوجه نظام‌های مختلف تربیتی و آموزشی ازجمله نظام تعلیم و تربیت اسلامی بوده است توجه به بعد دینی متربیان است. تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به‌دور از جبر و فشار، به‌منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد [۳]. از سویی تربیت دینی در اجرا به دو شکل رسمی و غیررسمی دیده می‌شود. منظور از تربیت رسمی این است که تربیت دینی با برنامه‌ریزی مدون و از پیش تعیین شده به‌وسیله افراد خاصی در نهادهای آموزشی انجام شود (مانند مدارس زیرمجموعه آموزش و پرورش) و منظور از تربیت دینی غیررسمی تربیتی است که در قالب دو نهاد خانه و جامعه بدون طرح و برنامه پیشین انجام می‌گیرد. «کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی» براساس تعریف اساسنامه ابلاغی شورای عالی آموزش و پرورش کشور به مراکزی اطلاق می‌شود که برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، ادبی، هنری، ورزشی، اجتماعی، علمی و مهارتی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای نوجوانان

دانش آموز به ویژه دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه در سراسر کشور تشکیل می‌گردد. مجموعه‌هایی که برنامه‌های خاصی را در جهت تربیت دینی دانش‌آموزان به‌طور منسجم و هدف‌دار اجرا می‌نمایند. این کانون‌ها را می‌توان ترکیبی از تربیت رسمی و غیررسمی دانست که به شکل‌های مختلف فعالیت می‌نمایند. تربیت دینی، تربیتی براساس مفاهیم و معیارهاست. هرگاه این مفاهیم مورد بدفهمی قرار گیرند و یا حیطه آن‌ها بیشتر یا کمتر از آنچه هست، ارزیابی شود و یا در مواجهه با مسائل نوظهور عصر و دوران به‌صورت نابجا مورد استفاده قرار گیرد آسیب‌هایی در تربیت دینی آشکار خواهد شد [۴]. آسیب‌های تربیت دینی می‌تواند عوامل و منشاءهای گوناگون داشته باشد. زمانی که به آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه تربیت دینی مراجعه می‌کنیم، یکی از مشترکات اصلی عوامل مؤثر در امر تربیت را وجود «رابطه سالم و سازنده بین مربی و متربی» می‌یابیم. باقری [۵] ضمن بیان این که «ارتباط بین مربی و متربی» جزء ملزومات فعالیت تربیت دینی به شمار می‌رود، اظهار می‌کند که یکی از محورهای مهم و آسیب‌زا در حوزه تربیت دینی همین نحوه ارتباط بین مربی و متربی است. همچنین پور ارشد [۶] در پژوهشی با عنوان «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی با تأکید بر آرا و اندیشه‌های متفکران و صاحب‌نظران» وجود «رابطه» را در امر تربیت دینی متربیان لازم دانسته و به آسیب‌های ناشی از ارتباط ناسالم بین مربی و متربی پرداخته است. یکی دیگر از عناصر تربیتی که همواره موردتوجه صاحب‌نظران [۷] و البته آسیب‌شناسان [۸] عرصه تربیت دینی بوده و از آن به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت یاد می‌شود وجود محتوای تربیتی سرشار و سازنده است چنانچه اگر در یک نظام تعلیم و تربیت رابطه‌ای هرچند دوسویه بین مربی و متربی شکل بگیرد اما اگر از محتوای تعالی بخش برخوردار نباشد این رابطه الزاماً آثار تربیتی سازنده‌ای را به دنبال نخواهد داشت. ادهم [۷] در کتاب «تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر» سه عنصر برای تربیت دینی مؤثر بیان می‌کند: یک عنصر معلم، یک عنصر کتاب درسی و یک عنصر روش تدریس؛ وی بهره‌گیری معلم از روش‌های

تربیتی اثربخش را به عنوان سومین عامل توفیق نظام تعلیم و تربیت در کنار محتوای آموزشی و ارتباط متقابل معلم و دانش آموز، تلقی می کند. مطالعات آسیب شناسانه از بروز آسیب هایی در عرصه تربیت دینی حکایت دارد که تحقق اهداف عالی تربیتی را با چالش مواجه نموده است چنانکه راهیابی از این چالش ها و موانع، مستلزم بررسی دقیق عوامل و ریشه های آن است؛ از این رو پژوهش حاضر به طور ویژه درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تربیت دینی در کانون های فرهنگی تربیتی دانش آموزی با چه آسیب هایی همراه است؟ و سؤالات جزئی پژوهش شامل ۱. وضعیت موجود رابطه مربی و مربی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب هایی روبروست؟ ۲. وضعیت موجود روش های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب هایی روبروست؟ ۳. وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب هایی روبروست؟ بنابراین باتوجه به سؤال اصلی پژوهش هدف اصلی این تحقیق شناسایی آسیب های تربیت دینی در کانون های فرهنگی تربیتی دانش آموزی است تا از رهگذر آن، در راستای تحول نظام تربیتی مدارس و اصلاح محتوا، روش ها و ارتباطات موجود، در بهبود اثربخشی نظام آموزش و پرورش گام های مؤثری برداشته شود.

روش ها

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی است که با توجه به تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه ای معینی از کانون های فرهنگی تربیتی، می توان آن را در طیف مطالعات موردی (Case study) قلمداد نمود؛ صرف نظر از نام گذاری های کلی، در مورد روش هایی که در اجرای این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، باید گفت این طرح طی سه گام یا مرحله اساسی زیر انجام شده است: ۱- مطالعه علمی مربوط (نظریه ها و سوابق پژوهشی) در پایگاه های اطلاعاتی و کتاب های منتشر شده از محققین حوزه تربیت دینی به منظور شناسایی ادبیات موضوع و شناخت عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش های آسیب زا و همچنین

آسیب های پیش رو در این زمینه ۲- تجزیه و تحلیل نتایج بررسی ادبیات تحقیق و تلفیق عوامل مؤثر و آسیب های احتمالی شناسایی شده به منظور بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب های موجود در «مورد» (Case) مورد مطالعه (کانون نخبگان سلمان فارسی) ۳- عرضه چهارچوب پیشنهادی و پرسشنامه های محقق ساخته به مربیان و متربیان در «مورد» (Case) مورد مطالعه (کانون نخبگان سلمان فارسی)

بنابراین در اجرای این تحقیق و متناسب با هریک از مراحل فوق از روش های پژوهشی زیر استفاده شده است:

روش مطالعه کتابخانه ای: در اجرای مرحله اول تحقیق از روش مطالعه کتابخانه ای و جمع آوری و بررسی اسناد و مدارک مربوط به مبانی و سوابق پژوهشی طرح استفاده شده است. در این مرحله، ادبیات موضوع با مراجعه به پایگاه های اطلاعاتی داخلی و کتب منتشر شده مربوط، شناسایی، و عوامل مؤثر بر تربیت دینی و آسیب های احتمالی پیش روی این حوزه استخراج گردیده است. **روش پیمایشی:** در اجرای مرحله دوم تحقیق، به منظور بررسی وضع موجود تربیت دینی از سه منظر «روش های تربیتی»، «رابطه مربی با مربی» و «محتوای آموزشی» از دو پرسشنامه ی محقق ساخته استفاده شده است. در فرآیند تألیف پرسشنامه ها و به منظور بررسی روایی صوری آن ها، پس از استخراج عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش های آسیب زا در کانون های فرهنگی تربیتی دانش آموزی و تبیین برخی آسیب های احتمالی در قالب فعالیت های تربیت دینی بر اساس آیات و روایات، پیش نویس اولیه پرسشنامه ها تهیه و جهت ارزیابی تخصصی در اختیار ۱۰ نفر از متخصصین حوزه تربیت دینی (دانشگاهی و حوزوی) قرار گرفت و ضمن اخذ نظرات تکمیلی و یا اصلاحی ایشان، فرم نهایی آن با مجموع روایی ۸۱٪ تهیه شد. همچنین به منظور تعیین ضریب پایایی پرسشنامه ها بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمایشی که در ۲۰ درصد جامعه آماری انجام شد، پس از تجزیه و تحلیل داده ها پرسشنامه ها، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) آنرا برابر با ۸۱/۲٪ حاصل شد. جدول شماره (۱) بیانگر ارتباط هریک از گویه های دو پرسشنامه با هر کدام از سه منظر مزبور می باشد.

جدول شماره (۱): تقسیم‌بندی گویه‌های دو پرسشنامه با توجه به ارتباط مقولات ۸ گانه با سه حوزه مورد بررسی

حوزه مورد بررسی	مقولات ۸ گانه / گویه‌های پرسشنامه		
روش‌های تربیتی	تنبیه	جدل و مراء	سرزنش
تربیتی	گویه ۶ تا ۱۰ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۹ تا ۲۵ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۵ تا ۱۸ پرسشنامه مربیان
محتوای آموزشی	رسمی بودن محتوای آموزشی	نظام ارزشیابی ناعادلانه	تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی
آموزشی	گویه ۱ تا ۵ پرسشنامه مربیان	گویه ۶ تا ۱۱ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۲ تا ۱۶ پرسشنامه مربیان
رابطه مربی با مربی	تبعیض در رفتار مربی	نا هماهنگی در رفتار و گفتار مربی	
	گویه ۱ تا ۵ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۱ تا ۱۴ پرسشنامه مربیان	

مربیان و مربیان به هر سؤال و همچنین مثبت یا منفی بودن آن گویه، به طیف‌بندی پاسخ‌ها تحت مقیاس‌های «آسیب جدی»، «آسیب»، «آسیب‌زا» و «بدون آسیب» پرداخته شده است (جدول شماره ۲) که در ادامه به بررسی نتایج به‌دست‌آمده پرداخته شده است.

همچنین به منظور تعیین فراوانی ویژگی‌های دموگرافیک و فراوانی‌های پاسخ‌های داده‌شده به هریک از گویه‌ها از آمار توصیفی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های مربیان و مربیان با استفاده از نرم‌افزار SPSS، با در نظر گرفتن درصد فراوانی پاسخ‌های

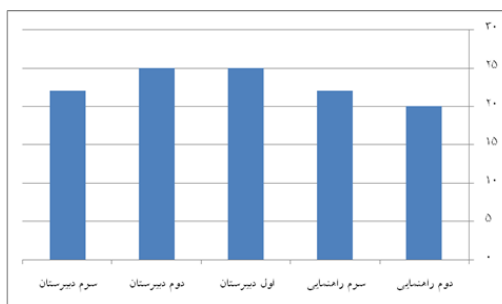
جدول (۲): طیف بندی پاسخ‌ها براساس میزان آسیب‌زایی

طیف پاسخ‌ها	برای گویه‌های مثبت	برای گویه‌های منفی
آسیب جدی	کاملاً مخالفم	کاملاً موافقم
آسیب	بسیار مخالفم	بسیار موافقم
آسیب‌زا	موافقم	مخالفم
بدون آسیب	بسیار موافقم	کاملاً مخالفم

یافته‌های پژوهش

بخشی از ویژگی‌های مربیان و دانش‌آموزان کانون با ارائه آمار توصیفی در قالب جدول و نمودار ارائه شده است:

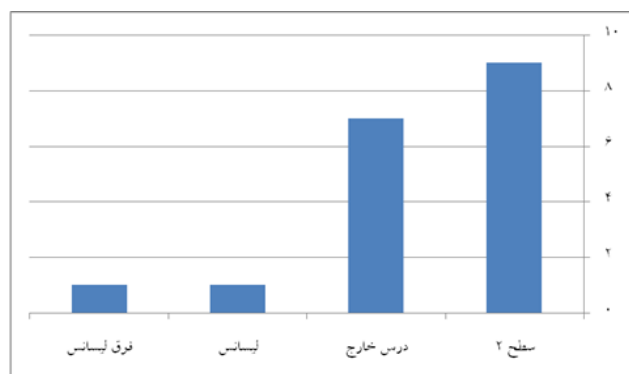
نمودار (۱): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک پایه تحصیلی



جدول (۳): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک سابقه حضور در کانون

ردیف	سابقه حضور در مجموعه	تعداد	درصد
۱	۱ سال	۲۰	۱۸٪
۲	۲ سال	۲۲	۱۹٪
۳	۳ سال	۲۵	۲۲٪
۴	۴ سال	۲۵	۲۲٪
۵	۵ سال	۲۲	۱۹٪
	جمع	۱۱۴	۱۰۰٪

نمودار (۲): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک مقطع تحصیلی



جدول (۴): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک سابقه فعالیت تربیتی

ردیف	سابقه فعالیت تربیتی	تعداد	درصد فراوانی
۱	۱ تا ۵ سال	۷	۴۳/۷۵٪
۲	۶ تا ۱۰ سال	۵	۳۱/۲۵٪
۳	۱۱ تا ۱۵ سال	۲	۱۲/۵٪
۴	بالاتر از ۱۵ سال	۲	۱۲/۵٪
۵	بدون سابقه	۰	۰٪
۶	جمع کل	۱۶	۱۰۰٪

تفاوت وجود دارد (جدول ۵). اگر ویژگی تراکمی بودن مقیاس گاتمن را در طیف بندی آسیب ها در نظر بگیریم، ۷۲/۵٪ مربیان مقوله «تبعیض در رفتار مربی» و ۷۴٪ مربیان مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی» را با آسیب همراه دانسته اند.

سؤال اول: وضعیت موجود رابطه مربی - مربی در تربیت دینی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب هایی روبه روست؟
توصیف آماری داده های حاصل از وضعیت سنجی «رابطه مربی - مربی» نشان می دهد که بین نظرات مربیان کانون،

جدول (۵): وضعیت «رابطه مربی - مربی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ ها	مقوله «تبعیض در رفتار مربی»		مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی»	
	تعداد پاسخ ها	درصد	تعداد پاسخ ها	درصد
آسیب جدی	۱۱	۱۳/۷۵٪	۲	۳٪
آسیب	۳۳	۴۰٪	۳۱	۵۰٪
آسیب زار	۱۵	۱۸/۷۵٪	۱۳	۲۱٪
بدون آسیب	۲۲	۲۷/۵٪	۱۶	۲۶٪

گرفت و سایرین که ناظر این رفتار تبعیض آمیز هستند و خود را نیز مستحق آن تکریم می دانند، یا آشکارا تحقیر می شوند یا دست کم، توهم تحقیر در آن ها شکل می گیرد و این امر باعث می شود تا نسبت به فرد تکریم شده، حسادت ورزیده و کینه ی وی را به دل بگیرند و در پی فرصتی باشند تا عزت و کرامتی را که به وی داده شده است، از او سلب کنند. شاهد این موضوع، داستان حضرت یوسف (علیه السلام) و برادرانش است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

اذعان مربیان به وجود رابطه تبعیض آمیز با مربیانمی تواند با پیامدهای آسیب زای زیادی همراه باشد که نه تنها در امر تربیت دینی مؤثر نخواهد بود بلکه تأثیرات منفی زیادی در پی خواهد داشت. از جمله آسیب های ناشی از این گونه رفتار مربیان می توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از آسیب هایی که در اثر رفتار ناهم سطح و تبعیض آمیز مربی با مربیان، می تواند بروز پیدا کند، آزارهایی است که ممکن است از جانب دیگران به فرد محبوب تر و برتر به او برسد. زمانی که فردی در یک جمع به صورت مکرر مورد احترام و تکریم قرار

یکی دیگر از پیامدهای این گونه رفتار، متوجه خود مربیان می‌گردد؛ زیرا مربی که به او بی‌توجهی و بی‌مهری شده است، نسبت به مربی خود بدبین شده و کینه وی را در دل می‌گیرد و چه بسا به اعمال زشتی در جهت آزار و اذیت مربی و انتقام گرفتن از او دست بزند. از سایر آسیب‌های ناشی از این گونه رفتار می‌توان به الگوبرداری منفی توسط مربیان از رفتار مربی اشاره کرد. به این معنی که مربیان، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار را از مربی فراگرفته و در آینده نسبت به دیگران اعمال می‌نمایند. همچنین احساس حقارت و ایجاد دشمنی نیز از جمله آسیب‌هایی است که از رفتار ترجیح‌خانه و تبعیض‌خانه مربی حاصل می‌شود. و اما از آسیب‌ها و اثرات تخریبی دوگانگی در رفتار و گفتار مربیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از عواملی که پایه‌های اعتماد مربی به مربی را سست می‌کند، تضاد و دوگانگی در رفتار و گفتار مربی است. در چنین شرایطی، مربی سرگردان می‌ماند که قول مربی را بپذیرد و یا عمل او را؟ آیا گفتارش صحیح است یا کردارش؟ و بدین ترتیب اعتماد او از مربی سلب می‌شود. یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از این دوگانگی، ایجاد بی‌میلی و حتی نفرت در مربی نسبت به مربی و معلم و علم و عالم است؛ چنانکه غزالی [۸] در کتاب میزان العمل، یکی از وظایف هشت‌گانه معلم را عمل کردن به علم خود می‌داند و در ادامه می‌گوید: «معلم نباید گفتار

خویش را باحالت و رفتار خود تکذیب کند، زیرا در این صورت مردم از هدایت و رشد متنفّر می‌شوند». وجود دوگانگی در رفتار و گفتار مربی، گاهی ریا را به مربیان آموزش می‌دهد، بدون اینکه مربی به آن توجه داشته باشد؛ چراکه مربیان همان گونه که از کلام مربی خود تأثیر می‌گیرند، از رفتار او نیز متأثر می‌شوند. مربی با مشاهده این رفتار، به جواز ریا و نفاق پی می‌برد و به این نکته می‌رسد که می‌توان برای رسیدن به هدف، در ظاهر به گونه‌ای و در باطن به گونه‌ای دیگر عمل کرد. از سایر آسیب‌های ناشی از این دوگانگی که در روایات آورده شده است می‌توان به آبروریزی و از دست دادن اعتبار مربی بین مربیان و جرئت پیدا کردن بر گناه و دروغ بیشتر و بزرگ‌تر و اموری از این دست اشاره کرد.

سؤال دوم: وضعیت موجود روش‌های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟ نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های دانش‌آموزان در مورد «روش‌های تربیتی» نشان می‌دهد که درصد قابل‌توجهی از فراگیران (۵۹٪) وضعیت روش تربیتی کانون را در مقوله «سرزنش» در طیف «آسیب» ارزیابی نموده‌اند و ۶۴٪ فراگیران مقوله «جدل و مراء» را نیز با آسیب همراه دانسته و پاسخ ۴۰٪ فراگیران در مورد مقوله «تنبيه» در طیف «بدون آسیب» قرار گرفته است.

جدول شماره (۶): وضعیت «روش‌های تربیتی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	مقوله «سرزنش»		مقوله «جدل و مراء»		مقوله «تنبيه»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۵	۸٪	۱۲	۱۱٪	۱۰	۱۲/۵٪
آسیب	۳۷	۵۹٪	۷۰	۶۴٪	۲۳	۲۸/۷۵٪
آسیب‌زا	۱۲	۱۹٪	۱۷	۱۶٪	۱۵	۱۸/۷۵٪
بدون آسیب	۹	۱۴٪	۱۰	۹٪	۳۲	۴۰٪

ضمن بررسی پاسخ‌های مربیان به ۴ سؤال مقوله «سرزنش» می‌توان درمجموع چنین بیان کرد که مربیان ملامت و سرزنش مربی را یکی از کارآمدترین و

درعین حال یکی از ساده‌ترین روش‌های تربیتی درزمینه‌ی کنترل مربیان سرکش می‌دانند و این در حالی است که استفاده از این روش نیازمند مهارت‌های خاص تربیتی است که

هرکسی نمی‌تواند از عهده آن برآید و از طرفی اگر ملامت و سرزنش در رفتار مربی بر فضای تربیت غالب شود وارد حوزه آسیب‌زای خود می‌شود که بایستی از آن اجتناب کرد. در بررسی پاسخ مربیان به گویه‌های مربوط به مقوله «جدل و مراء» باید گفت که رشد قوه تفکر و تحلیل مربیان به عنوان یکی از اهداف تربیتی کانون قلمداد می‌شود که از طریق برگزاری جلسات گروهی و مباحثه تحت عنوان «حلقه‌های رشد» دنبال می‌شود. اما آنچه در این بین مشهود است گرایش فضای جلسات به سمت کشمکش و جدال و مراء است؛ که این مسئله، زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های جدی را در تربیت دینی مربیان فراهم می‌کند. از جمله آسیب‌هایی که وجود چنین فضایی به دنبال دارد می‌توان به بیماری و کدورت دل اشاره کرد. کسی که با مردم به جروبخت و مراء می‌پردازد به تعبیر امام صادق علیه‌السلام بیمار و مریض است که هیچ مریضی بدتر و پست‌تر از آن برای بشر وجود ندارد. ایشان می‌فرمایند: «مراء بد دردی است و برای انسان خصلتی بدتر از آن نیست؛ مراء خوی شیطان و پیروان و منتسبان او است» [۹]. از دیگر پیامدهای جروبخت در فضای تربیتی همانندسازی است. به عبارت دیگر مربی ضمن الگوبرداری از مربی، یاد می‌گیرد که ضمن بالا بردن خود و به سکوت کشاندن دیگران، حرف خود را به کرسی نشاند و دیگران را تحقیر کند. ایجاد عداوت و دشمنی یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از به‌کارگیری این روش در تربیت دینی مربیان است. در فضای جروبخت، بین طرفین برخوردهایی نامناسبی شکل می‌گیرد که منجر به سست شدن رابطه دوستی و حتی ایجاد تنفر و دشمنی می‌شود. خواه مراء کننده برحق باشد یا نباشد؛ چنانکه در سفارش حضرت امیر علیه‌السلام به کمیل نیز همین نکته تصریح شده است: ای کمیل! از مراء بپرهیز، زیرا اگر این کار را کردی، سفیهان را بر آزار خود واداشتی، و این رفتار دوستی را از بین می‌برد [۹]. از سایر آسیب‌های این روش می‌توان به از بین رفتن آبروی انسان، ایجاد نفاق و دورویی، اذیت و آزار دیگران و... اشاره کرد. از آنجایی که تنبیه به معنای واقف گردانیدن بر چیزی و آگاه کردن [۱۰]، آمده است، در حوزه تربیتی می‌تواند یکی از

روش‌های مفید و مؤثر قلمداد شود و از طرفی با توجه به اقتضای سن مربیان کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش-آموزی همچون کانون نخبگان سلمان فارسی و بالا بودن نسبی خطاهای مربیان در این شرایط سنی آگاهی بخشیدن و تنبیه‌های سبک همچون محرومیت‌های سبک عاطفی و ... به کارگیری این روش، در مسیر تربیت دینی و صحیح مربیان، از سوی مربیان می‌تواند با کاربرد نسبتاً زیادی همراه باشد. برخی مربیان به جهت ارتباط نزدیک با مربیان و با این استدلال که ورود مربی به حوزه تنبیه می‌تواند در ارتباط صمیمی و مداوم مربی با مربی که یکی از ابزارهای مهم در مسیر تربیت دینی مربی تلقی می‌شود، خدشه‌ای وارد کند، هرگونه تنبیه در امر تربیت دینی مربی را خود شخصاً به عهده نمی‌گیرند و در صورت نیاز به این روش، این راه را به عهده دیگران مثلاً معاون کانون واکذار می‌نمایند و این در حالی است که نه تنها در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام گونه‌های بسیار زیادی از به‌کارگیری این روش در جهت تربیت صحیح و آگاهی بخشی به اقشار مختلف دیده می‌شود بلکه خداوند در قرآن کریم بارها مجرمان را به عاقبت کار خود متنبه کرده است. نمونه‌های بسیار جالب و زیادی نیز در استفاده از مراحل و قواعد مختلف تنبیه در سیره بزرگان دین دیده می‌شود به عنوان مثال یکی از مراحل تنبیه مربی می‌تواند تنبیه با کنایه باشد و آن هم از سوی خود مربی، که می‌تواند اسباب تنبیه و تفکر را در مربی ایجاد کرده و چه بسا که به تغییرات بنیادی نیز در تفکر و رفتار مربی منجر شود. نمونه بسیار جالب این گونه روش در سیره امام کاظم علیه‌السلام، جمله کنایه آمیز ایشان به بشر حافی بود که به تحول اساسی در وی منجر شد [۱۱]. برخی مربیان در امر تربیت مربی خود به مسئله تهدید توجه نکرده و آن را بسیار آسیب‌زای دانند و در استفاده از آن پرهیز می‌کنند و این در حالی است که خداوند بارها در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم افراد را از عاقبت سوء رفتار خویش و مجازات آن مطلع می‌سازد. آسیب‌هایی از قبیل تقبیح شخصیت فرد خطاکار به جای نکوهش عمل نابهنجار، در نظر نگرفتن شرایط مربی، شتاب‌زدگی در تنبیه، افراط در استفاده از این روش، نگاه مجرمانه به مربی حتی

پس از تنبیه و... ازجمله مسائل نامطلوبی است که می‌تواند در اثر ناآگاهی مربی در استفاده از این روش تربیتی، برای مربی به دنبال داشته باشد. **سؤال سوم:** وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟

نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های مربیان در مورد «محتوای آموزشی» در سه مقوله «تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی»، «نظام ارزشیابی ناعادلانه» و «تلقی تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» مطابق با جدول شماره (۷) بیانگر وجود آسیب در این مقولات است.

جدول شماره (۷): وضعیت «محتوای آموزشی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	«تلقی رسمی بودن و دشواری محتوا»		«نظام ارزشیابی ناعادلانه»		«تلقی تفکر منفی نسبت به محتوا»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۱۴۸	۲۶٪	۲۳۴	۳۴٪	۱۵۲	۲۷٪
آسیب	۲۸۳	۵۰٪	۲۶۲	۳۹٪	۲۰۳	۳۶٪
آسیب‌زا	۵۸	۱۰٪	۴۵	۷٪	۶۱	۱۱٪
بدون آسیب	۸۱	۱۴٪	۱۳۸	۲۰٪	۱۵۰	۲۷٪

در مورد ایجاد تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی که نیمی از مربیان آن را در طیف آسیب معرفی کرده‌اند می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: یکی از عوامل مؤثر جهت به ثمر نشستن تلاش‌های مربی در مسیر تربیت دینی مربی، دیدگاه مربی است. درواقع زمانی که کانون برای گرفتن بازخورد و ارزیابی مربیان و یا هر دلیل دیگری، مجبور به پذیرش برخی سازوکارهای رسمی نظام تعلیم و تربیت می‌شود، درچنین شرایطی مخاطبپرداختن به نیازها و ضرورت‌های درونی خود را از دست داده و تلاش خود را در جهت جلب رضایت کانون (انجام تکالیف و کسب امتیاز) معطوف می‌کند. زمانی که این تلقی در مربی ایجاد شود، او عمدتاً در کلاس‌ها به عنوان یک وظیفه مؤسسه‌ای حضور می‌یابد و محتوای آموزشی را حفظ می‌کند. سپس آنچه را که حفظ کرده سر کلاس بازگویی می‌کند. لذا این تلقی نسبت به محتوا، با توجه به اهداف عالی تربیت دینی و تقویت پایه‌های اعتقادی مربیان و بعد ارزشی و عملی آن، بزرگ‌ترین مانع استفاده مطلوب از محتوای دینی برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعمال موافق دین مبین اسلام است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار و منفی در نگرش و دید مربیان نسبت به محتوای آموزشی، دشواری آن است. به نظر می‌رسد که برخی مربیان به علت ضعف بنیه علمی و شاید پایین بودن توان یادگیری، در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) امتیاز خوبی از مربی کسب نکرده‌اند که

همین امر باعث نوعی بدبینی نسبت به این محتوای دینی شده است. مربیان در پاسخ به گویه‌های مربوط به «نظام ارزشیابی ناعادلانه» آن را غیرمنصفانه معرفی کرده‌اند (جدول شماره ۷). ازجمله آسیب‌های ناشی از وجود این‌گونه نظام ارزشیابی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از آنجایی یکی از ابزارهای مهم برای تربیت دینی مربی توسط یک مربی، پذیرش همه‌جانبه مربی از سوی مربی است، یکی از جلوه‌های این پذیرش در برخورد عادلانه و منصفانه مربی به هنگام امتیازدهی به مربی نمود پیدا می‌کند. حال اگر مربی در زمینه امتیازدهی مربی خود را در موضع عدالت نبیند و حس کند که او ناعادلانه امتیاز می‌دهد، دیگر نایستی به راستی مودت و دوستی و درنهایت تأثیرپذیری مربی از مربی امید داشت. از دیگر اثرات نامطلوبی که برخورد ناعادلانه به هنگام امتیازدهی به مربیان به همراه دارد این است که مربی به صورت تلویحی، سوگیری در موضع قضاوت را یاد می‌گیرد. نظام ارزشیابی ناعادلانه یکی از دلایل مهم ایجاد تفکر منفی نسبت به محتوای دینی برنامه‌های کانون نخبگان است. به عبارت دیگر مربی زمانی که معیارهای ارزیابی مجموعه را با عدالت همراه نداند، این بی‌عدالتی را به سرتاسر فعالیت‌های کانون تعمیم داده و حتی منجر به ایجاد ذهنیت منفی نسبت به محتوای دینی انتخاب‌شده و کارشده توسط مربیان در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) می‌شود. ازجمله آسیب‌های ناشی از «تلقی

تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اگر این دید برای متریبان در زمینه‌ی محتوای آموزشی ایجاد شود، در برخی آن‌ها چنین تصویری ایجاد می‌شود که محتوای دینی ارائه‌شده در حلقه‌های رشد، چندان ارتباطی با زندگی واقعی ندارد. به بیان دیگر حتی اگر مربی بپذیرد که اگرچه آموزش‌های دینی مباحثی صحیح و منطقی هستند، در عمل کاربرد چندان (به خصوص در عرصه‌های اجتماعی) ندارند. ذهنیت منفی نسبت به محتوای آموزشی مجموعه نخبگان که اکثراً جنبه دینی دارد، منجر به عدم پذیرش و ایجاد تزلزل در باورهای دینی آن‌ها خواهد شد. اگر در یک مربی این تفکر منفی نسبت به محتوای کلاس‌ها القا شده باشد (که می‌تواند این القا از راه‌های مختلف مثلاً فرهنگ حاکم بین متریبان کانون، صورت گرفته باشد) صحبت‌های مربی را همواره تکراری و شبیه به هم می‌داند که در نهایت هیچ پذیرشی در او حاصل نمی‌شود.

بحث

پژوهش حاضر باهدف آسیب‌شناسی تربیت دینی در یکی از کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی به این نتیجه دست‌یافت که وضعیت موجود تربیت دینی در این مجموعه از سه منظر «رابطه مربی با مربی»، «روش‌های آموزشی» و «محتوای آموزشی» با آسیب‌هایی همراه بوده است. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پردختان [۱۲]، حسین چاری [۱۳] و قائمی مقدم [۱۴] در باب روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی که به پیامدهای منفی برخی روش‌ها مانند تنبیه و سرزنش پرداخته اند همخوانی دارد. قائمی مقدم در کتاب «روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی» چنین بیان می‌کند که یکی از مشکلات عمده در تعلیم و تربیت عدم آگاهی درست مربیان از روش‌های تربیتی است؛ تفسیرهای شخصی و نادرست مربیان از روش‌ها، کج فهمی برخی مربیان از مفاهیم روشی و مراتبی اجرای روش‌های تربیتی، عدم شناخت مناسب از شرایط سنی و محیطی مربی، عدم تسلط بر روش‌های دینی تربیتی و... از جمله اموری است که در حیطه روش‌های تربیتی، روند تربیت را با کندی و آسیب‌های جدی روبرو

ساخته است. اصرار بسیاری از مربیان بر باورهای غلط خود در این حوزه، ناخواسته مربیان را به انحراف می‌کشاند و امر تربیت را با مشکلات فراوانی مواجه می‌سازد تا جایی که همانطور که قائمی مقدم می‌نویسد، چه بسا رها کردن متریبان به حال خود (و تربیت نکردن آنها) بهتر از تربیت کردن از راه شیوه‌های نادرست باشد؛ زیرا در صورت اول احتمال دارد مربی خود مسیر درستی را در زندگی انتخاب کند، ولی در صورت دوم، روش‌ها و برخوردهای نادرست مربی، او را در مسیر دیگری قرار می‌دهد و نتیجه ای جز تربیت مسموم ندارد. همچنین مطالعات پیشین بر وجود آسیب‌های ناشی از تبعیض در رفتار مربی با متریبان صحنه می‌گذارند نتایج پژوهش حاجی ده‌آبادی [۱۵] نشان می‌دهد که در جان تبعیض‌ها، شاید بدترین و مهمترین آسیب متوجه کسانی شود که به هر دلیل از محبت مربی محروم شده‌اند زیرا که افراد هم از نظر شخصیتی در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند و هم خود، زمینه ساز آسیب به دیگران خواهند شد چراکه احترام به یک شخص و توجه نکردن به شخص دیگر بدون دلیل نسبت به اطرافیان باعث تحقیر و هتک و عقده روانی آن‌ها شده، آتش کینه را شعله‌ور ساخته و سبب حسادت می‌شود. یافته دیگر این پژوهش در مورد آسیب‌های ناشی از نظام ارزشیابی ناعادلانه از جمله تخریب روابط دوستی مربی با متریبان و ایجاد عداوت و دشمنی، با حاصل پژوهش اکرمی [۱۶] با موضوع ارائه یک الگوی نظری درباره برنامه درسی درس بینش اسلامی متوسطه همگراست. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که سیستم نمره دهی درس بینش اسلامی، آن را از اهداف خود دور کرده و تا زمانی که نظام ارزشیابی دروس دینی همین نظام فعلی باشد روش مناسبی برای تحقق امر تربیت دینی دانش‌آموزان نیست.

پیامدهای ناشی از عملکرد کانون در هماهنگی با یافته‌های فرهادی [۱۷] و عباسی [۱۸] از آسیب‌هایی حکایت دارد که در پی محتوای رسمی تعلیم و تربیت ظهور می‌کند. عباسی در پژوهشی با موضوع «آسیب‌شناسی اثر بازگشتی نوع ارزشیابی در تربیت دینی» انجام داده است دریافت که دانش‌آموزان از همان دوران ابتدایی می‌آموزند که هدف از

تحصیل "دکتر و مهندس شدن" است از این رو تمام فعالیت‌های آموزشی با این قطب‌نما تنظیم می‌شود، از این منظر دانش ارزش قدسی خود را از دست داده و صورت رسمی پیدا می‌کند که این موضوع با یافته‌های این پژوهش در مورد تلقی رسمی بودن محتوای آموزشی همخوانی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش رضوانی [۱۹] نشان می‌دهد که دید دانش آموزان نسبت به درس دینی با انتظارشان از نظام آموزش به ویژه در مقاطع بالاتر یعنی اخذ مدرک تحصیلی و ورود به مقاطع بالاتر یا بازار کار ارتباط دارد. از این رو به این درس، به عنوان مرحله ای از تحصیل نگریسته می‌شود. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اصولاً تربیت دینی و اخلاقی با نظام آموزش رسمی تناسب ندارد و پیشنهاد می‌دهد که امر تربیت دینی به رویکردهای تلفیقی از تصادفی و غیر رسمی واگذار شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که در کنار موفقیت‌ها و اثرات سازنده‌ای که فعالیت‌های کانون نخبگان سلمان فارسی در تربیت دینی متربیان داشته است روش‌ها، محتوا و رابطه-های مربیان با متربیان با آسیب‌هایی همراه بوده است، آسیب‌هایی که جریان تربیتی را به مخاطره انداخته و تحقق اهداف تربیت دینی را با چالش مواجه ساخته است. آسیب-هایی که به تفصیل در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شد

منابع

باید توسط مسئولین کانون مورد ارزیابی و ریشه‌یابی قرار بگیرد و برای این منظور پیشنهاد می‌شود که کانون نخبگان سلمان فارسی ضمن تشکیل کمیته نظارت و ارزیابی اقدامات لازم را درخصوص بررسی و شناسایی روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی انجام نموده و اجرای کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت مربیان برای کاهش چنین آسیب‌هایی برنامه ریزی نماید.

سپاسگزاری

در پایان از مدیرعامل وقت و کلیه مربیان و متربیان کانون که در فرآیند انجام این پژوهش مشارکت نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

به افراد شرکت‌کننده در پژوهش در مورد محرمانه بودن نتایج پرسشنامه‌ها اطمینان داده شده است؛ و این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با کد پروژه ۱۱۱۲۱ می‌باشد.

تضاد منافع

نتایج این پژوهش با منافع هیچ سازمان یا فرد خاصی تعارض ندارد.

منابع مالی

تأمین منابع مالی این پژوهش برعهده هیچ نهاد یا سازمانی نبوده است.

1. Ebrahim Zade I. Adult Education. Tehran: Payame Noor University; 2004. (persian)
2. Davoodi M. The Payambar's and Ahle-Bayt's Training style. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
3. Ehsani M. Religious Education Family. Maarefat Monthly. 2002; (32): 52-67. (persian)
4. Bagheri Kh. A look at Islamic education again. Tehran: Madrase; 2015(1). (persian)
5. ----- A look at Islamic education again. Tehran: Madrase; 2015(2). (Persian)
6. Pour Arshad N. Theoretical Foundations of the Pathology of Religious Education with

- Emphasis on the Thoughts and Thoughts of the Thinkers and Experts. Summary of the Proceedings of the Religious Pathology Conference in Education. 2001; (2): 110-124. (Persian)
7. Adham N. Religious education in contemporary islamic society. Qom: Imam Khomeini Education & Research institute; 2016. (persian)
8. Ghazali M, Kasmaei A. Mizanolama. Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting; 1999. (persian)
9. Majlesi M. Bahar al-Anwar. Beirut: Dar al-Haya al-Tharath al-Arabi; 2010.

10. Dehkhoda A. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University; 1994. (persian)
11. Motahhari M. Education in Islam. Tehran: Sadra; 2012. (persian)
12. Paridokhtan Z. Encouragement and punishment in Islam. International Congress of Religious Culture and Thought. 2017; 3: 177-185. (persian)
13. Hoseinchary M, Falah zade A. Pathology of Islamic education based on the view of Shahid Beheshti. National Conference on Islam and Mental Health. 2018;1: 214-229. (persian)
14. Ghaemi moghadam M. Educational Damaging Methods An Islamic Viewpoin. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
15. Haji Dehabadi M. Issues and problems of religious education with emphasis on Islamic texts. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2001. (persian)
16. Akrami S. peresentation a Theortical model about Secondary Religiou curriculum Tehran: Tarbiat Moalem University; 1994.268p. (persian)
17. Farhadi F. The role of schools in religious education and national identity of students. national conference on the identity of Iranian Islamic children.2017; 1: 47-60. (persian)
18. Absi H, Eskandari H. Pathology Return effect of the type of evaluation on religious education. National Conference on the Philosophy of Religious Education and Moral Education. 2019; 5: 135-152. (persian)
19. Saeedi Razvani. Reflection on the Relevance of the Formal Education System to Religious Education. Tehran. Islamic Education Publication; 2001. (persian)